

نقدی بر

رؤیاهای رسولانه

تألیف:

عبدالله نصری



فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۳	۱. خواب‌نامه بودن وحی
۱۴	رؤیاهای پیامبر
۱۵	وقایع رؤیایی
۱۶	قرآن یا خواب‌نامه
۱۷	خواب نه نماد
۱۹	وحی یا گزارش خواب
۲۱	ویژگی‌های خواب و رؤیا
۲۴	تعبیر به جای تفسیر و تأویل
۲۶	جدی بودن رؤیا
۲۷	بی‌توجهی به هستی‌شناسی رؤیا
۲۸	حجیت خواب
۳۲	زبان قرآن
۳۴	فهم قرآن
۳۶	تعبیر به جای استعاره

۳۸ تشریع احکام

۴۰ انکار قرآن

۲. پریشانی قرآن ۴۵

۴۷ پدیده‌های غیرعادی

۴۸ تناقض‌ها

۵۲ تناقض‌های دیگر

۵۸ زمان در قیامت

۶۰ آفرینش آسمان‌ها و زمین در شش روز

۶۲ رؤیای شهاب‌ها

۶۶ عرش

۶۷ معراج

۶۸ حوادث تاریخی

۷۱ نفی جبرئیل و شیطان

۳. متافیزیک وصال ۷۳

۷۵ پیامبر به جای خدا

۷۶ تحریف مولانا

۸۰ تنگنای زبان

۸۲ داستان دقوقی در مثنوی

۸۴ تفسیر غلط از ابن عربی

۸۵ کشف تام محمدی

۸۷ خطای ابراهیم علیه السلام

۴. خواب و خواب‌گزاری ۹۱

۹۲ ایضاح مفاهیم

۹۴	 بهترین تبیین
۹۸	 عدم حجیت خواب
۱۰۲	 کدام رؤیای قدسی؟
۱۰۳	 وحی یا بیماری صرع
۱۰۶	 خواب‌گزاری پیامبر
۱۰۹	 منشأ وحی
۱۱۳	 خطا در وحی
۱۱۷	 تحلیل تجربه‌های عرفانی
۱۲۰	 پرشدن پیامبر از خدا
۱۲۴	 رؤیت خدا
۱۲۹	 ۵. استدلال یا شواهد
۱۲۹	 سنگینی وحی
۱۳۱	 ناظر بودن پیامبر
۱۳۴	 معضلات کلامی و تفسیری
۱۵۱	 ۶. پدیدارشناسی وحی
۱۵۱	 سه نوع استدلال
۱۵۲	 ادله فلسفی
۱۵۳	 ادله متنی
۱۵۴	 ادله تبیینی
۱۵۵	 رفت و برگشت پارادایمی
۱۵۶	 ابعاد فرضیه سروش
۱۶۰	 کدام رسول
۱۶۲	 پدیدارشناسی وحی

- ۱۶۵..... پیش فرض های نظریه رقیب
 ۱۶۶..... نقد سروش دباغ
 ۱۶۹..... مشکل اصلی سروش

۷. سرگردان میان آسمان و زمین..... ۱۷۱

- ۱۷۲..... سوبرکتیویسم کانتی
 ۱۷۳..... نظام های تنولوژیک
 ۱۷۶..... نفی منشأ الهی وحی
 ۱۷۸..... تلقی غلط از اشاعره و معتزله
 ۱۸۰..... تاریخی یا غیرتاریخی
 ۱۸۲..... ملاک قداست متن
 ۱۸۴..... بی توجهی سروش به فراتاریخ
 ۱۸۵..... فهم غلط سروش از تاریخ مندی نبی و متون مقدس
 ۱۸۸..... منادات با حقیقت استعلایی
 ۱۸۹..... تصویر غلط از وحی
 ۱۹۱..... پارادایم های دیگری

۸. رویای منزلت متن..... ۱۹۷

- ۱۹۷..... ۱. منشأ متن
 ۲۰۰..... ۲. سرشت متن
 ۲۰۵..... ۳. نحوه مواجهه با متن

کتاب نامه..... ۲۰۹

اعلام..... ۲۱۱

پیشگفتار

وی به ازل زنده و فرسوده ما
 "من عرف الله" فرو خوانده‌ایم
 هم تو پیامرز به انعام خویش
 هم به امید تو خدای آمدم
 چاره کن ای چاره بیچارگان
 ای کس ما بی کسی ما بین
 گر تنوازی تو که خواهد نواخت؟
 چاره ما کن که پناهنده‌ایم

ای به ازل بوده و نابوده ما
 در صفت گنگ فرو مانده‌ایم
 چون خجلیم از سخن خام خویش
 پیش تو گری سر و پا آمدم
 یار شو ای مونس غم‌خوارگان
 غافله شد واپسی ما بین
 جز در تو قبله نخواهیم ساخت
 در گذر از جرم که خواهنده‌ایم

دکتر عبدالکریم سروش به عنوان یکی از روشنفکران دینی معاصر آرای خاصی در باب وحی و نبوت ارائه داده است. وی در طول سه دهه اخیر دچار تحولات فکری بسیاری شده است. وی در آغاز حیات فکری خود محمد ﷺ را پیامبر می‌دانست و به ختم نبوت قائل بود، و با تألیف کتاب قبض و بسط تنوریک شریعت فقط از بسط فهم دینی سخن به میان آورد، اما در دهه هفتاد که مقاله تجربه نبوی را نگاشت، از بسط خود دین سخن گفت و اینکه تجربه‌های عارفان بر غنا و فربهی دین محمد ﷺ می‌افزاید و آن را کمال می‌بخشد. سروش به‌خوبی می‌دانست که سخن گفتن از بسط دین مبتنی بر تغییر در مفهوم بنیادین نبوت و لوازم آن چون وحی است. از این رو، وحی را به تجربه‌های محمد ﷺ

فروکاست. وی در ۱۳۸۶ در گفت‌وگو با رادیو زمانه به صراحت قرآن را کلام محمد ﷺ دانست، نه کلام خدا. هرچند سروش سعی کرد تا برای توجیه نظریه خود استدلال‌هایی را ارائه دهد، اما هیچ یک از آن‌ها قابل پذیرش نبود و مطالب وی مورد نقد بسیاری از عالمان و روشنفکران دینی معاصر قرار گرفت. صاحب این قلم نیز با نگارش مقالاتی و کتاب کلام خدا نه تنها به نقد این نظریه پرداخت که لوازم آن را نیز یادآور شد، از جمله اینکه با پذیرش این نظریه باید وحی و نبوت را کنار گذاشت.

اما سروش در سیر تحولات فکری خود فقط به این نظریه بسنده نکرد که قرآن کلام الهی نیست، بلکه کلامی بشری است که مؤلف آن از جانب خود احساس رسالت می‌کند. سروش در سال ۱۳۹۲ با تألیف چند مقاله ادعا کرد که قرآن حاصل رؤیاهای محمد ﷺ است. به بیان دیگر قرآن خواب‌نامه‌ای بیش نیست. صاحب این اثر در همان زمان با تدوین مقاله‌ای مفصل به نقد چهار مقاله سروش در این باب پرداخت که در سال گذشته همراه با نقد آرای قبلی وی در کتابی با عنوان انکار قرآن منتشر شد. در سال جاری سروش در یک گفت‌وگوی تلویزیونی با عنوان پرگار که از شبکه BBC پخش شد، نظریه رؤیاهای رسولانه را تکرار کرد. به دنبال آن نیز با دو مقاله جدید سعی کرد هم پاسخ ناقدان خود را بدهد و هم نظریه خود را تکمیل کند. پس از انتشار این مقالات برخی به دفاع از سروش و بعضی نیز به نقد وی پرداختند. صاحب این قلم نیز که احساس می‌کرد مطالب جدید سروش نیز قابل نقد است، به تدوین اثر حاضر پرداخت. فصل‌های اول تا سوم این اثر از کتاب انکار قرآن اخذ شده و فصل‌های چهارم و پنجم در واقع نقد مطالب جدید سروش است که هم شامل مقالات پنجم و ششم رؤیاهای رسولانه می‌شود و هم گفت‌وگوهای دو جلسه برنامه پرگار را دربرمی‌گیرد، و در عین حال برخی سخنرانی‌های سروش و

مطالب تلگرام وی نیز در این زمینه نیز مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. همان گونه که اشاره شد برخی پژوهشگران در دفاع و یا نقد سروش مطالبی را نگاشتند که از میان آن ها به بررسی سه مقاله پرداخته ایم که دفاع از نظریه سروش را بر عهده گرفته اند.

آنچه در این اثر مورد توجه جدی قرار گرفته از یک سو نقد شواهد و استدلال های سروش است و از سوی دیگر این نکته بسیار مهم است که نظریه رویاهای رسولانه هرگز قرائتی جدید از وحی نیست. در واقع این نظریه بدیل نظریه سنتی وحی به شمار نمی رود، چرا که در این نظریه مفهوم وحی فقط اشتراک لفظی با نظریه های حکما، متکلمان و عرفای اسلامی دارد. مقوله وحی در چارچوب اصل نبوت باید تفسیر شود. بدون پذیرش پیش فرض ها و مبانی نبوت، نمی توان از وحی سخن گفت و هر نظریه ای که بخواهد ابعاد گوناگون پدیده وحی را تفسیر کند باید پیش فرض ها و مبانی آن ویرانگر نبوت نباشد. مبانی نظریه سروش در تعارض با مبانی نظریه وحی متفکران اسلامی است و هیچ گاه نمی توان آن را تفسیری نوین از آن دانست، تا چه رسد به این ادعا که آن را تحولی بنیادین در فهم مقوله وحی به شمار آورد.

شاید نیازی به ذکر نباشد که هدف مؤلف در این اثر موشکافی های علمی است و خدا را نیز شاکر است که در همه نقدهای خود - در طول سالیان دراز - عنان قلم را هیچ گاه از دست نداده و با زبان علم و ادب سخن گفته است. بدون شک آرای مطرح شده در این اثر نیز می تواند با نقد ناقدان، جامه کمال را بر تن کند.

والسلام

۲۱ مهرماه ۱۳۹۵

عاشورای ۱۴۳۸